



یک هدیه تمام عیار

هدیه دادن می‌تواند به همان اندازه‌ای که شیرین است، سخت هم باشد. به‌خصوص که اغلب تا وقتی طرف مقابل جعبه را باز نکند

زهرا پیری

نویسنده

و با آن روبه‌رو نشود نمی‌توانی بفهمی انتخابت درست بوده یا نه. حتی آن لحظه هم ممکن است فکرت این‌که نکند نتوانسته باشی لبخند واقعی را از یک لبخند تصنعی که محض دل‌خوشی‌ات بر لبش نشسته، تمییز دهی مثل خوره به جانت بیفتد. این جور وقت‌ها این کتاب است که مثل یک قهرمان می‌آید و به دادم‌ان می‌رسد. برای شمردن محاسن کتاب به‌عنوان یک هدیه تمام عیار حتی می‌توانیم به عقب‌تر برگردیم، به زمان خریدش.

کتاب یکی از چیزهایی است که اغلب با جیب‌مان راه می‌آید و برای داشتنش لازم نیست خیلی نگران موجودی حساب‌مان باشیم. تقریباً با هر مبلغی می‌توانیم از پس خرید یک کتاب بربیاییم و این یعنی خبری از اوقات تلخی بعد از به‌هم خوردن حساب و کتاب دخل و خرج‌مان نخواهد بود. کتاب هدیه‌ای است که خیال‌مان را از بابت بخش زیادی از نگرانی‌ها راحت می‌کند. نه مثل لباس است که نگران سایز و رنگش باشیم که مبدا اندازه نباشد یا اگر هست رنگش به دل ننشیند، نه مثل پارچ و لیوان‌هایی که در تولدش سالگی‌مان هدیه می‌گرفتیم است که نگران به کار نیامدنش باشیم و نه مثل شکلات‌خوری‌های شیشه‌ای روز معلم است که افتادنش از روی میز برای همیشه از هستی ساقطش کند.

اگر هوایش را داشته باشیم می‌تواند سال‌های سال عمر کند و این یعنی با تمام قوا خودش را در کتابخانه و شمارا در ذهن کسی که آن را هدیه گرفته ثبت می‌کند. هدیه‌ای ماندگار است که به بهانه‌اش بارها و بارها یادتان از خاطر دریافت‌کننده‌اش می‌گذرد و چه چیزی از این لذتبخش‌تر؟

علاوه بر این گاهی یک کتاب آن‌چنان اثری در دفتر زندگی خواننده‌اش بر جای می‌گذارد که ردش تا انتهای دفتر و روی تمام صفحه‌ها باقی می‌ماند. حتی تصور این‌که رد حضور شما برای همیشه در دفتر زندگی کسی ثبت شود هم هیجان‌انگیز است. فکرش را بکنید! حرف زدن، تصمیم گرفتن، انتخاب کردن، معاشرت کردن، حتی غصه خوردن و شادی کردن و عشق ورزیدنش هم می‌تواند متأثر از هدیه‌ای باشد که یک روز شما تقدیمش کرده‌اید و اما حالا نوبت به هیجان‌انگیزترین بخش ماجرا می‌رسد؛ با کتاب می‌توانید تجربه ناب سفری بی‌مرز را به هر کسی که دل‌تان می‌خواهد هدیه کنید. سفری که او می‌تواند از روی تخته که گوشه اتاق جا خوش کرده شروع کند و ظرف چند دقیقه، از هزاران کیلومتر دورتر سر در بیاورد. کتاب را در یک خانه روستایی جنوبی دستش بگیرد و چند صفحه بعد، تنش از سرمای کولای که در قطب شمال بلرزد. با چشم‌هایی که مثل ابر بهار باریده‌اند خط ببرد و چند لحظه بعد، صدای خنده‌اش در خانه پیچد. خلاصه‌اش می‌شود این‌که کتاب، درست همان چیزی است که باید باشد. همان یارمهربانی که می‌توانیم روی دوستی‌اش حساب باز کنیم. 



نقد

مجموعه کتابی که ناشر آن را با خرج کردن از سرمایه مخاطبان‌ش منتشر می‌کند

ارزانی بی حکمت نیست!

که توسط مؤلفان و مترجمان و از همه مهم‌تر مخاطبان‌ش گرد آمده این مجموعه را هر دفعه به راه‌های مختلف تجدید چاپ می‌کند و به دست مخاطبان تازه خود می‌رساند.


ناشر این کتاب که از ناشران نام‌آشنای حوزه کودک و نوجوان کشور است در این مجموعه کتاب، مجموعه‌ای از رفتارهای ناپسند را برای گروه سنی پیش‌دستان و اول و دوم دبستان را کنار هم گرد آورده تا مجموعه‌ای کامل را برای مخاطب فراهم کند. ناشر بی‌توجه به این‌که یک سر این معامله مخاطب است و اعتمادی که آسیب می‌بیند؛ این مجموعه را که با اولین مواجهه والدین پس زده می‌شود به طرق مختلف چاپ و منتشر می‌کند و برایش بازخوردها و واکنش‌ها مهم نیست چرا که او روی دوش اعتماد مخاطبان خود ایستاده و با صدای مخالف چند مخاطب محدود خدشه‌ای به اعتبار او وارد نمی‌شود. مجموعه‌ای که ترجمه به زبان فارسی است و اسمی از اسم‌های آشنای حوزه ادبیات کودک و نوجوان آن را بازنویسی کرده است. اسمی که همنشین‌ی آن با اسم ناشر سبب می‌شود مخاطب بیش از گذشته اعتماد کند و با خیال راحت کتاب و به عبارتی مجموعه را خریداری کند.

مجموعه‌ای که در ۴۵ جلد منتشر شده و با قیمت نازل به دست مخاطب می‌رسد و همین قیمت می‌تواند گزینه مهمی برای انتخاب شدن باشد؛ در حالی که اگر کتاب کودک و نوجوان خریده باشید متوجه می‌شوید پولی که بابت این مجموعه پرداخت می‌شود هزینه‌ای است که باید برای دو کتاب پرداخت شود و همین سبب می‌شود تردید نسبت به ارزش فنی و محتوایی این مجموعه بیشتر شود. در واقع وقتی محتوا را با قیمت آن مقایسه می‌کنیم پی

می‌بریم «ارزانی بی حکمت نیست!» انگار که ناشر از فروش و سود آن خیالش راحت شده باشد این کتاب‌ها را به این شکل منتشر و در بازار توزیع می‌کند. در مجموع والدین، کتابخانه‌ها، مدارس و فعالان حوزه کودک و نوجوان بهتر است در انتخاب‌ها و پیشنهادهای خود دقت بیشتری به خرج دهند تا محتوای خوب به دست مخاطب نونهال برسد.

*بدیهی است مطلب فوق، نظر منتقد محترم بوده و الزاماً موضع «قفسه کتاب»

نیست. «قفسه کتاب» آمادگی دارد نظرات ناشر محترم را در این خصوص

در همین صفحه منتشر کند. 

اعتماد چیزی است که ناشران بر پایه آن می‌توانند به حیات حرفه‌ای خود ادامه دهند. چیزی که اگر نباشد امیدی به ادامه مسیر نیست. هر قدر این پایه محکم‌تر باشد قدرت ناشر برای فعالیت خود بیشتر خواهد بود. البته ناشرانی نیز وجود دارند که گاهی از روی این اعتماد چیزی برمی‌دارند و خرج کار دیگری می‌کنند ولی این رفتار خیلی نمی‌تواند ادامه‌دار باشد؛ یعنی ناشر نمی‌تواند از سرمایه خود بخورد بدون این‌که چیزی بر آن بیفزاید.

داشتنم می‌گفتم. اصلاً بدون اعتماد کاری انجام نمی‌شود. اعتماد مانند دیواری است که می‌تواند از بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری و مصونیت ایجاد کند. در هر کاری حتی رفاقت هم اعتماد حرف اول را می‌زند چه رسد به این‌که قرار باشد کار فرهنگی و اقتصادی کنیم. اگر نتوانیم اعتماد مخاطب را جلب کنیم و برایش فضای امن و آرامی از حیث کاری که انجام می‌دهیم ایجاد کنیم به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. ما به عنوان کسی که محصولی (ولو گل‌سر) را برای عرضه آماده می‌کنیم، باید تلاش کنیم دنبال کسب

سعیده رنجبر

روزنامه‌نگار

اعتماد در بالاترین درجه از سوی مخاطب خود باشیم. با اعتماد است که بسیاری از موفقیت‌ها به دست می‌آید و اگر کسی بتواند اعتماد کسی را در کاری جلب کند بسیاری از موانع از میان می‌رود و مسیر برایش هموار می‌شود و سرعت رشد و موفقیتش بیشتر می‌شود. سرعتی که با تکیه بر اعتماد مخاطب به دست می‌آید.

حالا می‌خواهم با این مقدمه سراغ ناشرانی بروم که با سرمایه اعتماد مخاطبان‌شان کاسبی و آن را خرج می‌کنند ولی غافل از این‌که این سرمایه پایدار نیست. سرمایه‌ای که راحت به دست نیامده و خرج کردن آن در مسیری غیر از آن

مسیری که از آن به دست آمده لطمه‌های جبران‌ناپذیری

به بار می‌آورد. چه بسیارند ناشرانی که برای دست و پا کردن اعتماد مخاطب به آب و آتش می‌زنند در شرایطی که محصول با کیفیت عرضه می‌کنند ولی ذره‌ای از اعتمادی که ناشران مطرح دارند را در خورجین فعالیت‌های خود ندارند؛ ولی ناشران مطرح به راحتی از اعتمادی که طی سال‌ها به دست آمده خرج می‌کنند و گاهی خرج را به ریخت و پاش تبدیل می‌کنند و متوجه فرصتی که از دست می‌رود نیستند.

مجموعه چندین جلدی «فسقلی‌ها» یکی از همان گزینه‌هایی است که روی دوش سرمایه اعتماد مخاطب ایستاده و ناشر بی‌توجه به سرمایه‌ای

